

سینمای اصلاحات هزینه‌ها و دستاوردها

• امید رهگذر



یکی از منتقدان درباره فیلم‌های عشقی به اصطلاح سه ضلعی و در اعتراض به این که رابطه ضلع سوم، برای تشدید بار دراماتیکی، حتماً باید نامشروع باشد می‌نویسد: جذابیت‌های آن مثلث‌های عشقی به این است که خارج از چارچوب ازدواج و خانواده باشد



نیکی کریمی

نیکی کریمی، بازیگر سینمای ایران در اعتراض به این روند اعلام می‌کند حاضر نیست به این حرفه ادامه دهد. او در این باره می‌گوید: «ابتدال در فیلم‌نامه‌ها و فیلم‌های ما وجود دارد. احساس می‌کنم این فضا توهینی به تمام بازیگران سینما است. برای همین دیگر در فیلم‌ها بازی نمی‌کنم.»^۵

محمد رضا اعلامی

محمد رضا اعلامی، کارگردان سینما، این رویکرد را با واژه ارتجاع توصیف و در باره آن می‌گوید: «متأسفانه تمام مسائل جامعه را گذاشته‌ایم کنار و فقط به مسائل زن و مرد رسیدیم و پرداختن به این مسائل را آوانگارد، جسارت و آزادی بیان نام می‌نهم؛ در حالی که این گونه حرکات، در اصل یک نوع ارتجاع است. موضوعی که امروز در سینمای ایران به عنوان جسارت فیلم‌ساز مطرح می‌شود، همان چیزی است که در گذشته از آن به عنوان ضد ارزش و ابتدال یاد می‌کردیم.»^۶

قانون به جای تصمیمات فردی.^۱ ماهنامه «سینمایی فیلم» که از ابتدای انتشار، به نوعی در ترویج سینمای موسوم به گلخانه‌ای و جشنواره‌ای، ارگان رسمی سیاست‌های مدیران سینمایی است پا را از این فراتر می‌گذارد و در این باره می‌نویسد: «آیا در سراسر تاریخ سینمای ایران، روزی مهم‌تر از روز دوم خرداد سال ۷۶ به یاد دارید؟ آیا پدیده مشابهی را در این هفت دهه می‌شناسید که حتی به اندازه یک دهه پدیده دوم خرداد، بر سینمای ایران تأثیر گذاشته و عزت و سربلندی این سینما را باعث شده باشد؟»^۲

• هنجارشکنی و ابتدال

اما ببینیم این به اصطلاح رنسانس سینمایی در طول هشت سال، چه دست‌آوردهایی به جا گذاشت. واقعیت این است که این سینما، صرف‌نظر از هنجارشکنی‌های اخلاقی و فکری، حتی در حوزه صنفی نیز نتوانست رضایت اهالی سینما را جلب کند و وعده‌های «سیف‌الله داد» در آغاز معاونت او مبنی بر ساخت سیصد سالن سینمای جدید در ظرف دو سال، در نهایت منجر به بسته شدن بیش از یکصد سالن، به خاطر ریزش تماشاگر شد. گیشه‌ها در پرتو ساخت فیلم‌های هنجار شکن و تعرض آشکار به اخلاقیات خانواده‌ها و ترویج روابط بی حد و مرز دختران و پسران، از سوی خانواده‌ها تحریم شدند این روند، به جایی رسید که اعتراض اهالی سینما را نیز به همراه داشت.

• اعتراض اهالی سینما

رضا میرکریمی پیرامون رشد ابتدال در سینمای موسوم به دوم خرداد می‌گوید: «در سینمای ما ابتدال، طی چند سال اخیر رشد داشته است. البته معنای ابتدال را می‌توان از دو جهت بررسی کرد؛ یکی بازگشت به فیلم‌فارسی و دیگری، نادیده گرفتن فرهنگ بومی و پشت کردن به خواسته‌های مردم و تأمین خواسته‌های اقلیت محدود می‌باشد.»^۳

ابراهیم حاتمی‌کیا

ابراهیم حاتمی‌کیا نیز در باره شیوع ابتدال در این دوره می‌گوید: «آقای «داد» چیزی جز ابتدال به سینمای ایران هدیه نکرد و رشد ابتدال را سریع‌تر کرد.»^۴



اشاره:

با اکران آثار تولیدی سینمای ایران در سال گذشته تا اواخر سال جاری، پرونده سینمای موسوم به اصلاحات بسته خواهد شد. هشت سال، اصلاح‌طلبان بر این سینما مدیریت کردند. ارزیابی این عملکرد، به لحاظ اهمیت مقوله سینما و اثرهای تعیین کننده آن در حوزه تربیتی، اخلاقی و سیاسی، حق مشروع هر شهروند و منتقدی است. تغییرهای پی در پی در ساختار مدیریتی ارشاد و معاونت‌های سینمایی طی این سال‌ها، تأکید دوجنانی است بر اهمیت این مقوله. در مقایسه با بخش‌های دیگر مدیریت کلان، این صندلی، داغ‌تر از دیگر صندلی‌ها از سوی منتقدان به چالش کشیده شد.

استیضاح زود هنگام مهاجرانی به عنوان وزیر ارشاد و جلب اعتماد دوباره مجلس و در نهایت، تکرار چالش و برکناری او از وزارت ارشاد و در پی آن تغییرات در معاونت سینمایی، گواه بر اهمیت این جایگاه است. در دوره اصلاحات، ارشاد، بیش از همه وزارتخانه‌ها در معرض انتقاد، اعتراض و حساسیت قرار گرفت. می‌کوشم در این جا تنها در حوزه مدیریت سینمایی، به آن چه طی این هشت سال گذشت، بپردازم و از نگاه کسی که دستی بر این آتش دارد، این سینما را به لحاظ دست‌آوردها و هزینه‌هایی که به جای گذاشت، مورد نقد و بررسی قرار دهم.

• سینمای غیرسینمایی

انتخاب شدن آقای خاتمی به ریاست جمهوری، برای اهالی سینما و مطبوعات سینمایی، گونه‌ای ذوق‌زدگی غیرمنتظره به همراه داشت. ناگزیرم به بخشی از موضع‌گیری‌های مطبوعات سینمایی در این خصوص اشاره کنم. این موضع‌گیری‌ها در واقع بیان‌گر این ادعا است که سینمای این دوره تا چه میزان، موضوعیت خود را بیرون از موضوع سینما و در بستر مولفه‌های غیر سینمایی جست‌وجو می‌کند.

ماهنامه «گزارش فیلم» به سردبیری هوشنگ اسدی و همسرش، از بقایای حزب منحل توده در استقبال از این انتخاب به بهانه تغییر و تحولات آینده در حوزه سینما، کلیت نظام را به چالش می‌کشد. این ماهنامه با تعبیر انقلاب آرام و دوم در باره انتخابات سال ۷۶ می‌نویسد:

«سینمای ایران، ناگهان وارد مرحله تازه‌ای شده است. انتخابات ریاست جمهوری که می‌توان آن را به انقلاب آرام تعبیر کرد، اولین نشانه‌های خود را در جامعه و سینما آشکار می‌کند؛ گذر از استبداد قبل از انقلاب به جامعه مدنی و جایگزینی



ابوالقاسم طالبی

ابوالقاسم طالبی - فیلم‌ساز - در اعتراض به باند بازی‌های حاکم بر سینما، این بار شخص خاتمی را خطاب قرار داده و می‌گوید: «امروز عده‌ای فرصت‌طلب در سینما، رای مردم به جنبابالی را رای به خودشان می‌پندارند و تصمیم دارند روند سینمای ایران را به سمت سینمای قبل از انقلاب تسریع نمایند.»^{۱۰} تبعیض و نگاه جناحی به اهدای جوایز جشنواره فجر نیز از موارد اعتراضی اهالی سینما است. این جایزه‌ها، به گمان بسیاری، به لحاظ تعامل و نزدیکی به جناح حاکم اهدا می‌شود.

سیروس الوند

سیروس الوند درباره موضوع باند بازی در جشنواره فجر می‌گوید: «داوران جشنواره، همه افراد کارشناسی هستند ولی بعضاً سر جایزه‌ها معامله می‌کنند.» عبدالله برزیده در اعتراض به این شرایط می‌گوید: «اهدای جایزه به بعضی فیلم‌ها، با انگیزه خاصی همراه بوده است و به هیچ وجه مبنای فنی و حرفه‌ای نداشته است. به‌طوری که جایزه بهترین صابرداری را به فیلمی می‌دهند که مشکل صدا دارد.»^{۱۱}

مهدی صباغ زاده

مهدی صباغ زاده در اعتراض به تبعیض در واگذاری تسهیلات بانکی از سوی فارابی، طی نامه‌ای به مقام رهبری می‌نویسد: «فارابی در پرداخت وام هم خطی عمل می‌کند. فقط به عده‌ای کمک می‌کند و اگر فیلم‌سازی توجه فارابی را جلب نکند، در درجه فیلم‌نامه و فیلمش دخل و تصرف می‌کند و او را به التماس و تمنا می‌کشاند.» وی در خصوص اعمال تبعیض در درجه بندی فیلم‌ها بر اساس معیارهای خطی و سیاسی حاکم بر فارابی می‌گوید: «آن‌ها به هر کسی که دوست داشته باشند، درجه خوب و به هرکسی که خوششان نمی‌آید و یا با آن‌ها مشکلی داشته باشد، درجه بد می‌دهند.»^{۱۲}

استفاده ابزاری از زن

حاکمیت ابزاری در استفاده از زن در این سینما، دو سوی کاملاً متفاوت دارد؛ در یک‌سو، بازی‌گران زن به استفاده ابزاری از زن معترض هستند و در سویه دیگر، سوق دادن بخشی از منتقدان به تشدید این شرایط در سینمای عشقی و از نوع اضلاعی آن.

نیکی کریمی

نیکی کریمی در اعتراض به این رویکرد می‌گوید: «باور کنید زمانی که چنین نقش‌هایی را به من پیشنهاد می‌کنند، احساس خفقان و شرم می‌کنم؛ به خصوص از جانب کارگردان‌هایی که قبلاً با آنها کار کرده‌ام.»^{۱۳} از سوی دیگر، جریان خزنه مطبوعاتی تلاش می‌کند در همه حوزه‌ها، فیلم‌سازان را به هنجار شکنی سوق دهد یکی از منتقدان درباره



جواد شمقدری

جواد شمقدری، فیلم‌ساز ارزشی سینمای ایران، آن را به رویکرد به مسائل نفسانی تعبیر و در باره آن می‌گوید:

«اگر از قرائت اصلاحات فرهنگی، بحث آزادی را در نظر بگیریم، از این مقوله فقط رویکرد به مسائل نفسانی سینما حاکم شده است.» در این باره، فاکتورهای بی‌شماری می‌توان اشاره کرد. سینمای موسوم به دوم خرداد که با شعار تقسیم امکانات میان اهالی سینما، مدعی توسعه سینما بود، در نهایت با نگاه جناحی و سیاسی به اهالی این حرفه، منجر به اعتراض شدید دست‌اندرکاران آن شد. مشکلات صنفی بازیگران، کماکان به عنوان دغدغه اهالی سینما باقی ماند و به‌رغم وعده‌های مدیران، کماکان در، بر همان پاشنه می‌چرخید تبعیض‌های جناحی، صدای اعتراض دست‌اندرکاران سینما را در می‌آورد.

خسرو سینایی

خسرو سینایی، کارگردان مطرح سینمای ایران در اعتراض به این شرایط می‌گوید: «تدرید ندارم اگر قرار باشد نظم و قوانین در کار صنوف باشد، این نظم و قوانین باید در خدمت این قرار گیرد که افراد بهتر کار کنند نه این‌که در خدمت گروه‌های معین قرار گیرند تا کارها را قبضه کنند و یا در راه ورود به این کار، کارشکنی کنند.»^{۱۴} از سوی دیگر، شورای مرکزی انجمن بازی‌گران سینمای ایران در راستای حفظ حقوق صنفی خود و منزلت اعضا و بازی‌گران، به دلیل عدم حصول نتیجه گیری خواسته‌های مشروع خود در زمان مسئولیت آقای داد در سمت معاونت سینمایی، از حضور در مراسم تجلیل از وی خودداری می‌کند.

علی اکبر ثقفی در اعتراض به شرایط هنرمندان سینما و بی‌توجهی به خواسته‌های پدیدگی آنها می‌گوید: «باید به وضعیت هنرمندان، توجه بیش‌تری شود. اکثر این‌ها بیمه بیکاری ندارند و من هنرمندانی را می‌شناسم که الان مستاجر هستند.»^{۱۵}

در سینمای ما ابتذال، طی چند سال اخیر رشد داشته است. البته معنای ابتذال را می‌توان از دو جهت بررسی کرد؛ یکی بازگشت به فیلم‌فارسی و دیگری، نادیده گرفتن فرهنگ بومی و پشت کردن به خواسته‌های مردم و تامین خواسته‌های اقلیت محدود می‌باشد.

سناریوی ناتمام

این اظهارنظرها درباره هنجارشکنی اخلاقی در سینما، از سوی بخش وسیعی از منتقدان، تعقیب و تشویق می‌شد. سیل این فیلم‌ها در نهایت منجر به تغییر در مدیریت سینمایی گردید. با این حال، کماکان چیزی تغییر نکرد و این سناریو تا آخرین روزهای تسلط اصلاح‌طلبان بر سینمای ایران ادامه داشت. بازگشت عناصر شناخته شده و فراری به حوزه سینمای ایران، یکی دیگر از دست‌آوردهای این سینما بود. نمونه بارز این دهن‌کجی، بازگشت بهمن فرمان‌آرا و ساخت فیلم توهین‌آمیز «خانه‌ای روی آب» بود که فریاد بسیاری را برآورد و در نهایت، در دوران حاکمیت این سینما به اکران در آمد.

حدیث هنجارشکنی و ورشکستگی سینمای دوم خرداد، حدیث مثنوی هفتاد من کاغذ است. آنچه به آن اشاره شد، در واقع مقدمه‌ای بود برای کتاب حجیمی که امیدوارم در زمانی مناسب به آن پرداخته شود. در این مجال، به اشارت نوشتیم؛ به این امید که در مجالی بیش‌تر، به این پدیده از این‌رو که تأثیرهای جبران ناپذیری به جا گذاشت، مستندتر و عمیق‌تر نگاه شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک: ماهنامه گزارش فیلم، ش ۸۴، خرداد ۱۳۷۶
۲. ر.ک: ماهنامه فیلم، ش ۲۱۷
۳. روزنامه رسالت، ۱۳۸۰/۷/۱۲
۴. هفته‌نامه یالثارات، ش ۱۳۶
۵. ر.ک: تصویر روز، ش ۱۵۴، ۲۳ آبان ۱۳۸۰
۶. ر.ک: روزنامه جام‌جم، ۱۳۸۰/۴/۲۱
۷. ایستاد، ۱۳۸۰/۵/۱۵
۸. ر.ک: سینما ویدئو، ش ۲۹۸
۹. روزنامه قدس، ۱۳۸۰/۴/۱۸
۱۰. سینما ویدئو، ش ۲۹۳، ۱۳۸۰/۳/۲۷
۱۱. ایستاد، ۱۳۸۰/۶/۱۸
۱۲. بخشی از نامه مهدی صباغ‌زاده به مقام رهبری؛ به نقل از: سینما ویدئو، ش ۳۴۶
۱۳. ر.ک: سینما ویدئو، ش ۳۰۴
۱۴. ر.ک: زن، اسفند ۱۳۷۷

